

همراه با ویژه‌نامه‌ی خودساز
صفحات ۱۱ الی ۱۸

شاهر کوری

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰ • شماره ۱۷۶ و ۱۷۷

بها: ۱۵۰۰۰ تومان





روزهای ما نا ... ۱

مهمانی ساده ۲

دستمال کاغذی چگونه آب را می‌مکد؟ ۴

فصل نرگس‌های زرد ۶

رمضان؛ ماه خوب خدا ۷

چه خوب شد... ۸

هلال مهربانی ۱۰

بگرد و پیدا کن !!! ۱۱

تبلت بد اخلاق ۱۲

من خوب فویم ۱۴

مهمونی شکوفه‌ها ۱۶

آپودا - پرندۀ بهشتی ۱۷

من می‌دانم... ۱۸

امام خوبی‌ها ۱۹

قدر نعمت‌های خدا ۲۰

بچه‌های مجله ۲۲

لیک پستی ۲۴

به نام خدا

کوری

سال ۱۴۰۰ • شماره‌های ۱۷۶ و ۱۷۷

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران

مدیر مسئول و سردبیر: رحیم نریمانی

ناظر تولید: سیده فاطمه رضایی

مدیر اجرایی: زهرا خسروی

دبیر تحریریه: فریبا حداد

طراح گرافیک: سمیرا سادات شفیعی

امور فنی: آتلیه شاهد

ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی

امور مشترکین: محمدرضا اصغری

تلفن دفتر تحریریه: ۸۸۸۳۵۱۰۸

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴

دورنگار امور مشترکین: ۸۸۸۲۸۴۳۵

آدرس الکترونیکی: mag.navideshahed.com

صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵

ناشر: انتشارات شاهد

تهران خیابان آیت الله طالقانی

خیابان ملک الشعراء بهار شمالی

شماره ۵

تلفن: ۸۸۳۰۸۳۴۸

چاپ: چاپخانه سازمان

فرهنگی سیاحتی کوثر

تصویر جلد: سمیرا شفیعی - سمیه شفیعی

● مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

● مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود.

● نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است.

قاصدک • ویژه نامه خردسال



روزهای ما...

تقویم
۱۴۰۰



تصویر گر: سیمیه شفیعی
مصطفی میرزایی، میرنگار

روز جمهوری اسلامی ایران

۱۲ فروردین، روز جمهوری اسلامی ایران،

به زیبایی، فکرهای شیطان دشمنان را
از بین برد و آنان را که حکومت
جمهوری اسلامی را نمی‌خواستند،
شکست داد.
این روز بزرگ بر شما
حماسه‌سازان انقلاب
اسلامی مبارک باد.

روز جهانی قدس

روز قدس روز پیروزی
مردم مظلوم فلسطین است.
روز قدس روز مبارزه با ظلم کشورهای
غرب به تمام مسلمانان جهان است.
روز قدس بر شما نوگنان
عزیز مبارک.

ولادت حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان

نور پیمبر آمده
جوان پاک و قهرمان
علی اکبر آمده
تولدش روز جوان

۵
فروردین

عید فطر

روز شادی و لبخند
عید روزه‌داران است
روز باشکوه فطر
جشن نور و ایمان است

۲۳
اردیبهشت

شهادت

حضرت علی (ع)

ظلم‌ها بسیار دید
آن امام شیعیان
آن علی شیر خدا
رفت سوی آسمان



۳
اردیبهشت

وفات حضرت خدیجه (س)

همسر پاک نبی
گشته مهمان خدا
بانوی ایثار و مهر
یار خوب مصطفی

روز زمین پاک

زمین را پاک نگهدار
کوچولوی مهربان
تا که سلامت باشی
شادی بشه فراوان

۲
اردیبهشت

۱

۱

مهمانی ساده



مرد لباسش را پوشید و به طرف خانه‌ی حضرت علی (ع) حرکت کرد.
توی دلش هی دعا می‌کرد تا حضرت علی (ع) دعوتش را قبول کند.
به خانه‌ی حضرت علی (ع) رسید. وقتی با او روبه‌رو شد، سلام کرد.
حضرت علی (ع) جواب سلامش را داد و با مهربانی حالش را پرسید.
مرد گفت: «مولای من! خیلی دوست دارم شام به خانه‌ی من بیایی.
آیا دعوت مرا می‌پذیری؟»

امام کمی توی فکر رفت. مرد باز توی دلش دعا کرد:
«خدایا کمک کن دعوتم را قبول کند. خدایا... خدایا...»
حضرت علی (ع) لبخند زد و گفت:
«سه شرط دارم؛ اگر قبول کنی، به خانه‌ات می‌آیم!»



مرد با خوشحالی زیاد گفت: «فدایت شوم! چه شرطی؟ هر چه باشد قبول می‌کنم.
آخر نمی‌دانی زن و بچه‌هایم از آمدنت چقدر خوشحال می‌شوند! حالا هم منتظر خبر من هستند.»
امام گفت: «آن سه شرط این است؛ اول آن که چیزی از بیرون تهیه نکنی. دوم هر چه در خانه داری، از ما پذیرایی کنی.
سوم به همسر و بچه‌هایت برای راحتی من و تهیه‌ی غذا سخت نگیری. یک مهمانی خیلی ساده باشد!»
مرد گفت: «چشم! چشم! قول می‌دهم. هر چه شما بفرمایید. فقط شما بیایید!»
بعد صورت مثل ماه حضرت علی (ع) را بوسید و با خوشحالی، تند و تند به سوی خانه‌اش حرکت کرد
تا این خبر خوب را به همسر و بچه‌هایش بدهد.



دستمال کاغذی چگونه آب را می‌مکد؟

بیشتر و بیشتر
بدانید...



در این بخش به کمک آب، دستمال کاغذی و وسایل گفته شده یک آزمایش علمی و جالب انجام می‌شود.

چیزهایی که لازم داری:

- بشقاب
- دستمال کاغذی دو لایه سفید
- لیوان یک بار مصرف
- رنگ غذایی قرمز
- آب
- قاشق
- قطره‌چکان



تصویر گر: فاطمه زهرا میرزایی





مراحل آزمایش:

- ۱ بشقاب را روی میز بگذار و دستمال کاغذی را روی آن پهن کن.
 - ۲ تا نیمه‌ی لیوان یک‌بار مصرف، آب بریز.
 - ۳ دو قطره رنگ غذا به آب اضافه کن و هم بزن.
 - ۴ سپس قطره‌چکان را از این آب رنگی پر کن.
 - ۵ یک قطره آب رنگی روی دستمال کاغذی بریز.
- می‌بینی که آب رنگی در جهت‌های مختلف دستمال پخش می‌شود.
این کار را چند بار انجام بده و قطره‌ی آب رنگی را در چند جای دستمال کاغذی بریز.



چه اتفاقی افتاد:

آب به کاغذ می‌چسبد. دستمال کاغذی از ذره‌های ریز کاغذ که بین آن‌ها فضاهای خالی هست، درست شده است؛ به همین دلیل آب را در خود نگه می‌دارد. یعنی آب از یک ذره‌ی کاغذ به سوی ذره‌ی دیگر می‌رود و فضای خالی بین آن‌ها را پر می‌کند. اضافه کردن مقداری رنگ غذا هم باعث می‌شود حرکت آب را بهتر ببینی.

فصل نرگس های زرد

قالی رنگین کمان
از زمین تا آسمان
پهن شد بر مقدم
مهدی صاحب زمان

کوچه ها را ریشه زد
خنده بر لبها کشید
روشنی صبح را
بر دل شبها کشید

فصل نرگس های زرد
در چمن زاران رسید
رنگ رنگ و شادمان
نیمه ی شعبان رسید

در کویر انتظار
ناگهان باران گرفت
شاخه ی سبز امید
شد شکوفا، جان گرفت



زهرا دادوری
تصویرگر: طاهره رضایی



رمضان؛ ماه خوب خدا

ماه رمضان ماه مهمانی خداوند است که با همه‌ی ماه‌ها فرق دارد. در ماه مبارک رمضان همه‌ی مسلمانانی که به سن تکلیف رسیده‌اند و مریض نیستند باید روزه بگیرند. آن‌ها هر روز قبل از اذان صبح از خواب بیدار شده و سحری می‌خورند و بعد از اذان مغرب افطار می‌کنند. ما هم می‌توانیم روزهایی از ماه رمضان را همراه بزرگ‌ترها روزه باشیم، اما چون نمی‌توانیم کل روز را گرسنه بمانیم پس روزه‌ی کله‌گنجشکی می‌گیریم، یعنی سحری که خوردیم دیگر تا اذان ظهر چیزی نمی‌خوریم. روزه عادت‌های بد ما را از بین می‌برد و برای سلامتی ما مفید و سودمند است. ماه رمضان باعث می‌شود یاد بگیریم که به فکر فقرا و کسانی که شرایط سختی دارند باشیم و به آن‌ها کمک کنیم. من ماه رمضان را دوست دارم چون فکر می‌کنم در این ماه همه با هم مهربان‌تر می‌شوند و سعی می‌کنند به یکدیگر کمک کنند.



چه خوب شد...

داستان‌های شاهد و شیرین





هلال مهربانی

به این تصاویر دقت کن و بگو:

- ۱- وظایف سازمان هلال احمر چیست؟
- ۲- در چه شرایطی به ما کمک می‌کنند؟
- ۳- آیا کسی را می‌شناسی که عضو هلال احمر باشد؟



دلبندم با توجه به تصاویر، جواب سؤالات را پیدا کن و به آدرس شاهد کودک بفرست تا در مسابقه شرکت کنی!

قاصدک

ویژه نامه خردسال

بگرد و پیدا کن!!!

یه بچه‌ی باهوش مثل شما
حتماً می‌تونه با کمی دقت به این سوالات جواب بده و فلش درست رو رنگ بزنه.



تصویر گر: طوبی سبحانی



کدام یک بزرگ‌تر است؟



کدام یک گوش‌های بزرگ‌تری دارد؟



کدام یک پرواز می‌کند؟



کدام یک دم باریک‌تر دارد؟





تَبَلت بَدَاخلاق



صبح شد. کیمیا از خواب بیدار شد. تبلت را از کنار بالشتش برداشت و راه افتاد. صورتش را شست. سرش را بلند کرد و به آینه نگاه کرد. یکهو جیغ کشید. مامان سر رسید، پرسید: «چی شده؟» کیمیا گفت: «چرا چشمم قرمز شدن؟» مامان به تبلت توی دست کیمیا نگاه کرد و گفت: «چرا چشم‌های دختر من رو قرمز کردی؟»

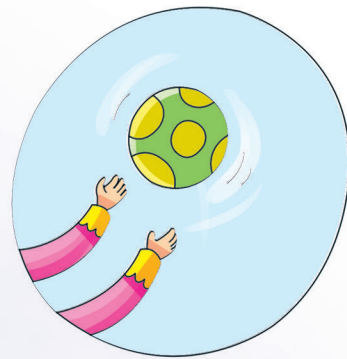
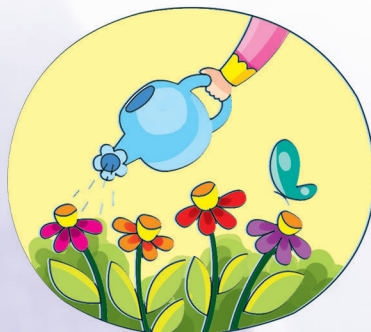
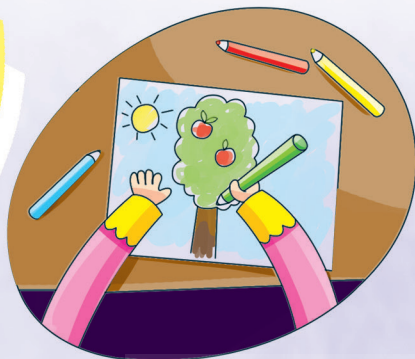
کیمیا گفت: «مامان مگه تبلت حرف می‌زنه؟» مامان گفت: «بله، تبلت تو به من گفت: دختر شما از صبح تا شب از من فیلم بامزه خواست، کارتون خواست، بازی جدید خواست. دیگه بداخلاق شدم و چشم‌های من رو قرمز کردم.»

کیمیا گفت: «مامان می‌شه بهش بگید چشم‌های من رو خوب کنه؟»

مامان به تبلت گفت: «کیمیا می‌گه: می‌شه چشمم رو خوب کنی؟»

مامان گفت: «تبلت تو به من گفت: اگر کیمیا بگذاره من کمی بخوابم، چشمش رو خوب می‌کنم.»





کیمیا گفت: «آخ جون، من برم به نقاشی بکشم.» مامان گفت: «آفرین!»
 کیمیا رفت و با به نقاشی زیبا برگشت. پرسید: «تبلت بیدار شد؟» مامان گفت: «نه!»
 کیمیا گفت: «من می‌رم به گلدون‌ها آب بدم.» کیمیا رفت و برگشت دوباره پرسید: «مامان تبلت بیدار شد؟»
 مامان گفت: «نه!» کیمیا توپش را برداشت و گفت: «می‌رم توی حیاط توپ بازی.»
 ظهر شد. کیمیا پیش مامان برگشت و گفت: «تبلت بیدار شد؟» مامان گفت: «بله، بیدار شد.»
 کیمیا توی آینه نگاه کرد و گفت: «آخ جون، چشم من هم خوب شد.»

مامان تبلت را به کیمیا داد و گفت:
 «چه خوب! حالا می‌تونید با هم بازی کنید.»
 کیمیا به تبلت نگاه کرد.
 گفت: «من قول می‌دم تو رو خسته نکنم.
 تو هم قول بده بد اخلاق نشی و چشمم رو قرمز نکنی!»
 مامان خندید. کیمیا را بغل کرد.
 گفت: «آفرین، دخترِ باهوشم!»



من هر روز با برادر کوچک‌ترم بازی می‌کنم تا او را سرگرم کنم!

قصه‌های



هر کار خوبی که بلام،
به برادر کوچک‌ترم هم
یاد می‌دهم!
مثل راست‌گویی،
عصبانی نشدن و ...

من خوب خوبم



وقتی خواهرم کلاس آنلاین دارد، من مزاحمش نمی‌شوم
تا با آرامش درس بخواند.



اگر خواهر یا برادرم
اشتباه کردند،
با آنها قهر نمی‌کنم و
آنها را می‌بخشم.



مهمونی شکوفه‌ها



رو شاخه جیک جیک می کنن
یه دسته گنجشک قشنگ
بنفشه‌ها صف کشیدن
تو باغچه‌مون از همه رنگ

مهمونی شکوفه‌هاست
توی حیاط خونه‌ها
من با مامان گل می کارم
خاک می ریزم رو دونه‌ها

بارون چیک و چیک داده
خدای مهربون به ما
جوونه و غنچه و گل
داده به دست شاخه‌ها

قاصدکای پَر پَری
قل می خورن تو آسمون
خبر میدن که اومده
بهار خانوم مهربون



آپودا - پرنده‌ی بهشتی



زندگیتناهد

آپودا در جنگل‌های پُرباران زندگی می‌کند.
این پرنده پره‌های رنگی و دُم زیبایی دارد.
آپودا پرنده‌ی سحرخیزی است و صبح زود شروع به آواز خواندن می‌کند.
این پرندگان برای جلب توجه بقیه‌ی پرندگان بهشتی، با بال‌های‌شان
حرکت‌های زیبایی انجام می‌دهند.
این پرنده برای حرف زدن با دوستان یا خبر کردن آنها هشت نوع آواز
مختلف می‌خواند.
پرندگان بهشتی می‌توانند تا ۲۰ سال زندگی کنند.



من می دانم...

- آیا هنگام غذا خوردن «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویی؟
- چه نعمت هایی خداوند به ما داده است؟ نام ببر.
- آیا بعد از غذا خوردن از پدر و مادر خود تشکر می کنی؟



امام خوبی‌ها

ولادت امام حسن (ع) مبارک باد.

گذشته کودکی‌اش
کنار پیغمبر
امام خوبی‌ها
ز خوب هم بهتر

همان که وقت نبرد
شجاع میدان است،
کنار سازش و صلح
به فکر ایمان است!

تمام رفتارش
شبیهِ نامش نیک
غرور از او دور و
صفا به او نزدیک

گشوده درها را
دوباره از هر سو
بیا و مهمان شو؛
که سفره‌دار است او!

مسجد امام حسن (ع)



قدر نعمت‌های خدا

زهره توی اتاق خود تنها بود. می‌خواست یک داستان کوتاه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری بنویسد. چشم‌هایش را بست و به فکر فرو رفت. ناگهان صدایی شنید. کسی انگار داشت آرام به پنجره‌ی اتاقش می‌زد. نگاه کرد. یک کبوتر سفید بود که نوکش را به شیشه می‌زد. با تعجب پنجره را باز کرد. کبوتر یک کاغذ تاخورده زیر بال‌ش داشت. آن را با نوکش گرفت و به او داد. زهره با تعجب کاغذ را باز کرد. در آن نوشته شده بود: شهید مطهری قدر نعمت‌های خدا را می‌دانست. به همین خاطر از فرصت‌های زندگی‌اش به خوبی استفاده کرد؛ کتاب‌های زیادی خواند و پیش استاد‌های بزرگی رفت و حرف‌های مهمی را یاد گرفت؛ تا این‌که یک معلم و دانشمند بزرگ شد.

زهره تا آمد با کبوتر حرف بزند، دید در اتاقش نیست. آن کاغذ هم نبود. فوری چشم‌هایش را باز کرد و با خودش گفت: «ای وای! من غرق در خیال بودم.» بعد به کتاب خاطرات استاد مطهری خیره شد. نگاهش به یک حکایت زیبا افتاد و شروع به خواندن کرد. - دختر عزیزم، خداوند در قرآن می‌فرماید: اگر نعمتی را که به شما دادم قدر دانستید، آن را زیادتر می‌کنم؛ اما اگر کفران نعمت کردید یعنی آن را قدر ندانستید، (خدا ناراحت می‌شود) و آن نعمت‌ها از دست‌تان می‌رود. (آیه ۷ سوره ابراهیم) «من آرزو دارم که فرزندانم قدر نعمت‌ها و مهربانی‌های خدا را بدانند تا خوبی‌های خدا به آن‌ها زیادتر شود.»

آیت‌الله مرتضی مطهری در سال ۱۲۹۸ در شهر فریمان از توابع مشهد به دنیا آمد. او در مشهد و قم درس خواند و دانشمند بزرگی شد. امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی از استادان مهم او بودند. ایشان در روز یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ هنگام شب، به دست دشمنان انقلاب، شهید شد. روز ۱۲ اردیبهشت، به یاد او، روز معلم نام‌گذاری شده است، چون او معلم بزرگ اخلاق و علم و مهربانی بود.



مجتهد ملا محمدی
تصویر گر: محمد سبحانی



آثار زیر توسط شرکت کنندگان مسابقه امام علی (ع)،
برای شاهد کودک ارسال شده است.



امینه مرادی ۹ ساله از تهران



مائده بیرامی ۶ ساله از شهریار



حلمه رستمی ۵ ساله از تهران



زینب میرزایی ۸ ساله از تهران



فاطمه زالی ۶ ساله از اسلامشهر



فرگس رستمی ۹ ساله از تهران



طاها سلامی ۹ ساله از تهران



سلاله سادات علوی ۸ ساله از کرج



محمدیاسین ویاسمین زهرا سرلک ۴ ساله از لرستان



فاطمه اسماعیل پور ۱۰ ساله از البرز



زهرا ضرغامی ۱۰ ساله از البرز



فهیمه ضرغامی ۸ ساله از البرز

عصرانه‌ی خوشمزه یک بستنی

مواد لازم:

بستنی وانیلی، ۲ پیمانه

برگ نعنا‌ی فرد شده، ۱ قاشق غذاخوری

کیک شکلاتی، ۲ تکه

توت فرنگی، ۲ پیمانه

بیسکویت شکلاتی، ۲۰۰ گرم

کره، ۱۰۰ گرم

عسل، ۱ قاشق غذاخوری

طرز تهیه:

۱. ابتدا بیسکویت‌ها را کاملاً خرد کنید. کره را آب کنید، سپس آن را همراه عسل به بیسکویت خرد شده اضافه کرده، هم بزنید تا کاملاً با هم مخلوط شوند؛ این ترکیب لایه‌ی اول کیک می‌باشد.

۲. چهار قالب کوچک را کمی چرب کنید، مخلوط بیسکویت و کره را داخل آنها بریزید و فشار دهید. سپس قالب‌ها را داخل یخچال قرار دهید تا خودشان را بگیرند.

۳. در این مرحله کیک شکلاتی را خرد کرده، داخل یک کاسه بریزید. بستنی وانیلی و برگ‌های خرد شده‌ی نعنا را هم داخل یک کاسه‌ی دیگر با هم مخلوط کنید، سپس آن را به مدت ۱۰ دقیقه داخل یخچال بگذارید.

۴. بعد از اینکه قالب‌ها را از یخچال بیرون آوردید، کیک خرد شده را روی لایه اول، مخلوط بستنی را روی آنها و در انتها توت‌فرنگی‌ها را روی مواد بریزید. کیک بستنی شما آماده است.

نوش جان



تصویر گر: سمیه میرزایی



بخوانیم...

بخشی از کتاب «قهرمان من»...

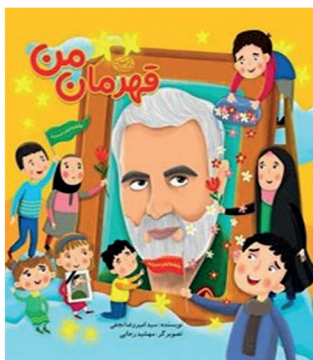
کتاب «قهرمان من» روایتی جذاب و خواندنی است که شما کودکان عزیز را با افراد تأثیرگذاری مانند شهید قاسم سلیمانی آشنا می‌کند.

در این کتاب تعدادی کودک با شنیدن خبر شهادت پدر یکی از دوستانشان در سوریه و خواندن نامه‌ای از یک کودک سوری که به بچه‌های ایران نوشته است، اطلاعات جذاب و جدیدی از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی کسب می‌کنند.

شما می‌توانید با تهیه این کتاب جذاب و خواندنی، مطالب مفیدی درباره‌ی زندگی شهید سلیمانی یاد بگیرید.

● عنوان کتاب: «قهرمان من» / نویسنده: سیدامیررضا نجفی

● ناشر: زائر رضوی



داستان و شعر نیمه‌تمام...

شعر



اگر به سرودن شعر علاقه داری، این شعر را کامل کن
و پرایمان پفرست تا در مسابقه‌ی
«بهترین شعر» شرکت کنی و
جایزه بگیري!

داستان

اگر به نوشتن علاقه داری، این قصه را کامل کن
و پرایمان پفرست تا در مسابقه‌ی
«بهترین قصه» شرکت کنی و
جایزه بگیري!

آه‌های دوباره

عید اومده بهاره

یکی بود یکی نبود. روزی یک مورچه برای جمع کردن دانه‌های
جو از راهی عبور می‌کرد. بوی عسل آمد. از بوی عسل دهانش
آب افتاد، ولی کندو بر بالای سنگ بزرگی قرار داشت. مورچه
هر چه سعی کرد از دیواره‌ی سنگی بالا برود، نشد که نشد.
دست و پایش لیز می‌خورد و می‌افتاد. تا اینکه

نشانی ما:

Koodak@navideshahed.com



آخ جون!
چقدر هوا خوبه!

